

به گزارش ایکننا از قم، حجت‌الاسلام نوری در این مراسم به تبیین این پایان‌نامه پرداخت و گفت: جهان امروز پر از مسائل پیچیده است و بر آن افزوده می‌شود و لازم است فقه پویا باشد تا بتواند پاسخگوی آن باشد.

وی با بیان اینکه تجربه نشان داده که با درس‌های عمومی این هدف دور به نظر می‌رسد، تأکید کرد: بنابراین وجود مراکز تخصصی برای زنده نگه داشتن فقه بیشتر ضروری به نظر می‌رسند.

نوری با بیان اینکه اینجانب پایان‌نامه سطح سه و برخی مقالات را در همین زمینه نوشته‌ام، تصریح کرد: جامعه ما ابتلای روز افزونی به این پدیده دارد و موضوعاتی مانند سحر و تسلط ارواح و جن بر انسان هم این مسئله را تشدید می‌کند.

وی با بیان اینکه این رساله در سه بخش تنظیم شده است، گفت: بنده سحر را در بخش نخست مقاله به‌عنوان مفهومی اصلی مدنظر قرار داده‌ام زیرا تأثیر زیادی بر بحث هیپنوتیزم دارد.

نوری با بیان اینکه انرژی درمانی از شاخه‌های متعددی درست شده، گفت: پاک کردن انرژی‌های کثیف و وارد کردن انرژی مفید به بدن قاعده و قانون در این کار است؛ ارسال انرژی به بدن یا از طریق هاله خود درمانگر منتقل می‌شود و یا از طریق کانالی انرژی کیهانی را به فرد تزریق می‌کنند.

هیپنوتیزم از لحاظ فقه ایرادی ندارد

این پژوهشگر با بیان اینکه بنده به این نتیجه رسیدم که انرژی درمانی فی نفسه اشکال فقهی ندارد مگر شاخه فرادرمانی آن، زیرا سحر بر آن بار می‌شود و مبتنی بر یکسری اعتقادات باطل است، تصریح کرد: در بخش دوم به بررسی عناوینی مانند سحر، تسخیر جن و ارواح، اخبار از غیب و ... پرداخته شده است؛ مهمترین بحث این فصل مربوط به انطباق سحر بر هیپنوتیزم است.

نوری با اشاره به مفهوم سحر و درجات هیپنوتیزم گفت: فقها و لغویون در مفهوم سحر اختلاف زیادی دارند؛ برخی معنای عامی ارائه می‌دهند که حتی شامل نیروی الکتروسیسته هم می‌شود و برخی فقها نیز سخن چینی و غیبت را هم داخل در سحر می‌دانند اما برخی معنای ضیقی ارائه داده و قید اضرائی بودن را در مفهوم سحر جا می‌دهند.

این محقق و پژوهشگر اظهار کرد: آیت‌الله خوبی سحر را اینگونه تعریف می‌کند که امری غیرواقعی را واقعی جلوه دادن به وسیله فریب، خدعه و ... که برخی شش مرحله برای آن برشمرده‌اند؛ در درجه اول رخوت و سستی به انسان دست می‌دهد که مولفه‌های هیپنوتیزم و سحر بر آن منطبق نیست.

مراحل هیپنوتیزم

وی با بیان اینکه مرحله دوم ماهیچه‌ها سفت می‌شوند و در مرحله سوم انسان بر حواس چشایی و بویایی خود کنترل دارد ولی قدرت تکلم ندارد؛ درجه چهارم بیهوشی سطحی و فراموشی نسبی است و حالات غیرارادی از او سر می‌زند؛ مرحله پنجم چشم و گوش رویت عجائب دارد و در درجه ششم چیزهایی می‌بیند که وجود ندارند.

نوری بیان کرد: برخی از این درجات بدون تردید سحر نیست ولی مثلاً در همان مراحل ابتدایی، یعنی اول و دوم اگر تلقین رخ دهد تا حدی جواب می‌دهد بنابراین اگر تلقین غیرواقعی ضمیمه شود می‌تواند مؤلفه‌های سحر و هیپنوتیزم بر آن بار شود.

این محقق با بیان اینکه مولفه سوم که مکر و خدعه است دارای ضابطه است افزود: تلقیناتی که به سوژه صورت می‌گیرد یا اثر تکوینی تلقینات قبل است و یا ناشی از اطاعت‌پذیری سوژه؛ مثلاً می‌گویند ده دقیقه به نور لامپ خیره شوید و بعد تلقین می‌کنند که چشمانت خسته شده و پلک‌ها روی هم می‌روند (این تلقینات واقعی است بنابراین مکر و خدعه نیست) ولی یکسری تلقیناتی هست که می‌گویند تو سوار قایق هستی و در روی رودخانه و از کوه بالا می‌روی که فریب و خدعه در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود بنابراین این نوع تلقینات مولفه مکر را دارد.

این محقق با بیان اینکه هیچکدام از این درجات فی نفسه مولفه‌های هیپنوتیزم را ندارند مگر اینکه تلقیناتی صورت بگیرد که امری غیرواقعی را به واقعی تبدیل کند، افزود: مولفه اسباب خفیه نیز از مرحله سوم به بعد بروز می‌کند و در محدوده تشخیص و فهم ما نیست؛ در مورد درجه ششم هم شبهه‌ای وجود دارد لذا هر چند در این مرحله تلقین هم نباشد مؤلفه واقعی جلوه دادن غیرواقع را دارد.

وی تأکید کرد: کسی که به این مرحله (ششم) وارد می‌شود مسائل واقعی را نمی‌بیند البته پاسخ ما این است که انقطاع از خارج مانند خواب و بیهوشی است و در این موارد کسی نمی‌گوید امور غیرواقعی، واقع جلوه داده شده است لذا انطباق بر سحر در این مرحله هم جای بحث دارد.

این مؤلف تأکید کرد: در نتیجه‌گیری از مجموعه بحث بر این نکته باید تأکید کرد که اگر تلقینات بر درمانگر، واقعی باشند مشکلی ندارد ولی اگر امری غیرواقع را واقع جلوه دهند سحر و هیپنوتیزم بر آن منطبق است و حرام خواهد بود.